



سال دوازدهم / زمستان ۱۴۰۲

الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام (تحلیل کیفی مبتنی بر رویکرد داده بنیاد)

• شیدا شکاری^۱، علی اکبر فرهنگی^۲، علیرضا ابراهیم پور^۳

تاریخ دریافت: ۰۲/۲/۲۴، تاریخ تایید: ۰۲/۷/۱۲

Doi: <https://doi.org/10.22034/scm.2024.182878>

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل تشکیل دهنده الگو کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام انجام شده است. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی مبتنی بر روش داده بنیاد و از نظر اجرا، پیمایشی اکتشافی است. جامعه آماری متشکل از افراد خبره و مطلعین کلیدی در حوزه قلمرو موضوعی تحقیق شامل اساتید دانشگاهی بودند که بر اساس رویکرد آگاهانه و به روش هدفمند و گلوله برفی تعداد ۲۰ نفر برای مصاحبه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (سندکاوی) و روش میدانی (مصاحبه و فن دلفی) استفاده شد. به منظور تعیین اعتبار یافته‌ها از سه روش کثرت‌گرایی شامل بازآزمون روش انجام کار، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران و استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید استفاده شد. در نهایت برای تحلیل داده‌ها از تکنیک کدگذاری نظری استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد الگو کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام دارای ۷۹ مفهوم، ۴۲ مقوله فرعی و ۱۶ مقوله اصلی که اجزای الگو پارادایمی نهایی عبارتند از: شرایط علی (بازتعریف نقش خانواده‌ها، سواد رسانه‌ای، نقش‌آفرینی شخصیت‌های معروف)؛ شرایط مداخله‌گر (تغییرات فرهنگی، بلاگرها)؛ بستر و زمینه حاکم (مدیریت کلان فرهنگی فضای مجازی، تشکیل کمیته‌های فنی و نظارتی، نهادهای جامعه‌پذیری)؛ مقوله محوری: همبستگی خانوادگی (رفاقت و صمیمیت خانوادگی در فضای مجازی، ارتباطات نزدیک خانوادگی)؛ راهبردها (برنامه‌ریزی فرهنگی-اجتماعی، آموزش بین نسلی، محتواسازی و ارائه محتوا، فرصت‌سازی از تهدیدها) پیامدها (کنترل پیامدهای منفی تغییر فرهنگی بین نسلی، هویت‌یابی واقعی، جهانی شدن حفظ ارزش‌های سنتی). نتایج بدست آمده حکایت از آن دارد که شبکه اجتماعی اینستاگرام علیرغم اینکه منجر به شکاف بین نسلی می‌گردد با استفاده علمی و اصولی از آن (بکارگیری ابعاد الگوی حاضر) می‌توان شکاف بین نسلی را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: اینستاگرام، شبکه اجتماعی، شکاف نسلی، نظریه داده بنیاد نظام‌مند.

۱ دانشجوی دکتری گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Sheydashekarinaamin670@yahoo.com

۲ استاد گروه مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Dr-aafarhangi@yahoo.com

۳ استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
ebrahimpour46@yahoo.com

فصلنامه علمی جامعه، فرهنگ و رسانه / سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۲ / ص ۱۲۵-۱۴۸

مقدمه

فضای مجازی، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است و با اینکه عمر خیلی زیادی ندارد، توانسته به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. افراد بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم گرد آمدند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی از این طریق با هم ارتباط برقرار کردند (کاسیانتی و وو^۱، ۲۰۱۶). در حال حاضر روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. خانواده ایرانی در سبد فرهنگی خود با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، رسانه‌های مدرن مواجه است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده و کنش‌های اجتماعی و فرهنگی بین اعضای خانواده را هدف گرفته‌اند (شکرپیگی، ۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که طی چند دهه گذشته توانسته‌اند بخش زیادی از روابط انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و توانسته‌اند در زندگی مردم جا باز کنند. این شبکه‌ها در کنار مزایای خود، معایبی نیز دارند که مهمترین آن تأثیر بر بنیاد خانواده‌ها، طلاق عاطفی زوجین، کمرنگ شدن صمیمیت میان همسران و در نهایت شکاف نسل‌ها می‌تواند باشد (ناطق و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹).

فناوری‌های جدید از قبیل شبکه‌های اجتماعی کارکردهای متفاوتی برای کاربران ایجاد کرده‌اند. علیرغم اتفاقات خوشایندی که از طریق این شبکه‌ها به وقوع پیوسته است (مثلاً از طریق آنها بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای قراردادهای کاری تنظیم می‌شود؛ دوستان قدیمی پیدا می‌شوند؛ بدون مراجعه حضوری کارهای بانکی و خریدها انجام می‌شوند، ارتباط‌گیری با اعضای خانواده در هر زمان و مکانی و ...)، خسارات جبران ناپذیری از جمله (جایگزینی ارتباطات مجازی با ارتباطات رو در رو و صمیمانه با کمترین عاطفه و احساس؛ کاهش فعالیت‌های جسمی به واسطه احوال‌پرسی از طریق فضای مجازی به جای حضوری؛ جایگزینی بازی‌های اینترنتی و مجازی با بازهای واقعی) را نیز موجب شده است (ربانی و محمدزاده، ۱۳۹۱: ۶۷). علی‌الاحوال شبکه‌های اجتماعی مانند یک شمشیر دو لبه هستند و همان قدر که باید نگران آن باشیم باید از آن بهره ببریم. منفی فکر کردن به شبکه‌های اجتماعی جز ترسیم خطرات و ایجاد استرس نتیجه‌ای ندارد باید فکر کنیم و حداکثر استفاده را در زمینه‌های مختلف از آن بکنیم (عطا، ۱۳۹۳: ۴۱).

مبانی نظری

گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه نسل‌ها نیز تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فن‌آوری، از بین رفتن حریم بین زوجین، فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد (چو و اگ^۱، ۲۰۱۲).

روابط میان والدین و فرزندان آنها، زمانی به بحران و چالش اصلی نزدیک می‌شود که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند و این زمانی است که توأم با جوانی فرزندان، والدین مسن‌تر شده‌اند. این دوره‌ای است که ممکن است الگوهای هنجاری و ارزشی والدین با فرزندان در معرض اختلاف، تعارض و تضاد قرار گیرد (هرناندز^۲، ۲۰۱۹: ۷). بنابراین شناخت این الگوها و ارزش‌ها به نام ارزش و هنجار در شکل کلی به نام شکاف نسلی از اهمیت زیادی برخوردار است به طوری که عدم هماهنگی و اختلاف‌های ارزشی و هنجاری میان والدین و فرزندان به طرق گوناگون در اعتیاد به اینترنت و جنبه‌هایی از آن مانند استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام نقش داشته باشد. در چنین شرایطی است که وسایل ارتباطی مانند اینستاگرام که زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد، رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی مدرن و در مقابل، ناتوانی و عدم مهارت نسل‌های بزرگسال با این پدیده و ناکارآمدی نهاد خانواده تأثیرات منفی در هر دو نسل به جا می‌گذارد باید این شکاف ایجاد شده را خوب شناخت و نیز اهمیت آن را برای همگان آشکار نمود (شالچی و کلاهی حامد، ۱۳۹۷: ۹۹-۱۰۰).

نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند بلکه این تکرار همواره با انتقاد و رد برخی از جنبه‌های سنتی و با نوآوری همراه است که در زمان حاضر این ویژگی‌ها به علت تغییر عمومی که بر محیط اثر می‌گذارد و به سبب تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها به نسل جدید امکان می‌دهد تا حدودی، متفاوت به انتخاب بپردازد (جاراللهی و کسمایی، ۱۳۹۲: ۲). از سویی نتایج برخی از پژوهش‌ها، حاکی از وجود ارزش‌ها و هنجارهایی در جوانان است که با ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان، متفاوت به نظر می‌رسد. والدین از بی‌توجهی فرزندان به معیارها و ارزش‌های آنها گلایه‌مند هستند و فرزندان نیز متقابلاً نسبت به ارزش‌ها

1 Chou & Edge

2 Hernandez

و معیارهای والدین درک کاملی ندارند و خواسته‌ها و انتظارات آنها در بسیاری موارد موجب نگرانی والدین قرار گرفته و بعضاً موجب تنش‌هایی در خانواده‌ها شده است که این مشکلات اهمیت انجام تحقیقات در زمینه شکاف نسلی را نمایان می‌سازند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵). در گذشته ارزش حاکم بر جامعه، تولید کردن بوده است ولی امروزه تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی ارزش شده است. ورود فناوری‌های مجازی و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی نیز بر این موضع دامن زده است و معضلی به نام شکاف نسلی بوجود آمده که خانواده‌ها را با مشکل روبرو کرده است و فرزندانشان روز به روز از آنها دورتر می‌شوند.

کشور ما نیز همگام با جهان امروز درگیر فناوری شبکه‌های اجتماعی شده است. ابتدا شبکه‌های اجتماعی پیام‌رسان در کشور جای خود را بین مردم باز کردند و صرفاً به انتقال پیام بین یکدیگر پرداختند اما با ورود و گسترش جهانی برخی از شبکه‌های اجتماعی که امکان ارسال تصاویر و فیلم را برای کاربران فراهم کردند، در ایران نیز تمایل به استفاده از آنها رونق گرفت و امروز جزئی جداناپذیر از زندگی اکثر آحاد جامعه شده است. یکی از پرکاربردترین این شبکه‌ها در ایران شبکه اجتماعی اینستاگرام است.

شبکه اجتماعی اینستاگرام سبک زندگی نسل جوان ایرانی یعنی دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. بر اساس آمار منتشر شده توسط دیتاریپورتال در سال ۲۰۲۳، حدود ۴۸ میلیون نفر معادل ۵۴ درصد از کل جمعیت ایران، کاربر رسانه‌های اجتماعی بودند که این تعداد ۶۸/۷ درصد از کل تعداد کاربران اینترنت در ایران را نیز تشکیل می‌دهند. ضمناً پینترست با ۲۶/۲۳ درصد و اینستاگرام با ۲۶/۲۰ درصد سهم ترافیک اینترنت، دو اپلیکیشن رسانه اجتماعی محبوب کاربران ایرانی در سال ۲۰۲۳ بوده‌اند. این در حالی است که استفاده از رسانه اجتماعی محبوب اینستاگرام طی یک سال اخیر با کاهش ۶۸ درصدی مواجه بوده است که احتمالاً به فیلتر آن مربوط می‌باشد و لینکدین افزایش بیش از هزار درصدی را تجربه کرده است. بر اساس این نظرسنجی در مجموع ۲۸ درصد مردان و ۳۱ درصد زنان استفاده کننده از اینستاگرام هستند. اما در خصوص استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های مجازی آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد. ولی مشاهده میدانی برای توسعه بحث پیرامون شبکه‌های مجازی و دانش‌آموزان نشان می‌دهد اکثر دانش‌آموزان دوره متوسطه موبایل دارند و ارتباطات خود را از طریق شبکه‌های مجازی انجام می‌دهند (این واقعیت از طریق صحبت به تعدادی از دانش‌آموزان دوره متوسطه در مقابل چند دبیرستان اذعان شده است). تحقیقات

جسته و گریخته انجام شده (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ بادله و همکاران، ۱۳۹۷) حکایت از آن دارد که دانش‌آموزان تمایل زیادی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی با قابلیت انتشار عکس، فیلم و ... دارند. این حجم استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام منجر به تغییر باورها و ارزش‌های حاکم بر دانش‌آموزان شده و اختلاف فاحشی را با والدین آنها ایجاد کرده است. به عبارت دیگر شکاف‌های ارزشی و فرهنگی بین آنها افزایش یافته و منجر به شکاف بین نسلی شده است. در گذشته شکاف نسلی بیشتر از ۳۰ سال بود که با ورود فناوری‌های جدید و بخصوص شبکه‌های اجتماعی به ۵ تا ۱۰ سال کاهش یافته است. این شکاف نسلی از آن رو نگران‌کننده است که بحران هویتی عمیقی بوجود آورده است و واقعاً خطرناک است (ایسنا، ۱۴۰۱).

در سطح جهانی نیز بر اساس مطالعات جدیدی که انجام شده است جزو بدترین شبکه‌های اجتماعی شناخته شده است که تأثیرات منفی بر روی ذهن کاربران می‌گذارد. مطالعه‌ای که بر روی ۱۵۰۰ نوجوان و بزرگسال انجام شده، نشان داده است اینستاگرام در میان سایر شبکه‌های اجتماعی بیشترین اثرات روانی مخرب را بر روی ذهن کاربران خود می‌گذارد (شالچی و کلاهی حامد، ۱۳۹۷ به نقل از وبسایت ویرگول). این در حالی است که به عقیده بسیاری از کارشناسان، اپلیکیشن‌هایی که در آن کاربران تصاویر مختلف را به اشتراک می‌گذارند باعث می‌شود تا کاربر بتواند خود را نشان داده و هویت خود را ابراز کند اما در عین حال همین شبکه‌های اجتماعی باعث بروز بیشترین میزان عصبانیت، افسردگی، پرخاش‌گری و ترس فراموش شدن در کاربر می‌شوند.

این مهم در خصوص نوجوانان و جوانان دانش‌آموز مقطع متوسطه، با توجه به اینکه آموزش‌های لازم را دریافت نکرده‌اند و خانواده‌ها نیز در زمینه استفاده از این شبکه‌ها و خطرات آنها، اطلاعات کمتری دارند بسیار حائز اهمیت‌تر است و پرداختن به آن مساله‌ای است که بر هیچ کس پوشیده نیست. مجموع این گفته‌ها و بررسی‌های انجام شده حکایت از مسئله‌ای دارد که نشان می‌دهد خانواده‌ها به دلیل شکاف ایجاد شده ناشی از شبکه‌های مجازی بخصوص اینستاگرام درک صحیحی از یکدیگر نداشته، ارتباطات آنها کاهش یافته، دچار بحران هویتی شده، و روز به روز کارکردهای خانواده کم‌رنگ‌تر شده و عملاً خانواده و کارکردهای آن در حال از بین رفتن است. این مساله‌ای است که نیازمند بررسی علمی بیشتر است و باید به آن پرداخته شود. بر این اساس محقق بدنبال دستیابی به الگویی است تا از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام به کاهش شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه دست یابد. لذا سوال

اصلی پژوهش را تحت عنوان «الگوی کاهش شکاف نسلی از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام کدام است؟» مطرح نموده است و برای پاسخ به آن سوال‌های فرعی زیر را مطرح کرده است:

- ۱) مفاهیم الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟
- ۲) شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟
- ۳) الگوی نظام‌مند کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟

مروری بر نظریات مرتبط با پژوهش

منظور از شکاف‌های اجتماعی^۱ عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (لیپست^۲، ۲۰۱۵: ۹۸). به بیان دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار و ... اجتماعی هستند (بشیریه، ۱۳۹۶: ۹۹).

جوامع در حال گذار همچون ایران، استعداد بیشتری برای تولید شکاف دارند. این جوامع از طرفی وام‌دار شکاف‌های جامعه سنتی بوده و از طرف دیگر باردار شکاف‌های جامعه مدرن می‌باشند. بنابراین جامعه ایران، جامعه‌ای است با تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی که شکاف قومی را از جامعه سنتی، و شکاف‌های نسلی، جنسیتی و طبقاتی را از جامعه مدرن دریافت می‌کند. پدیده شکاف نسلی^۳ به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. معمولاً فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها هنجارها، به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. مثلاً فاصله نسلی را فرهنگ آکسفورد، اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن تعریف کرده است (آکسفورد^۴، ۲۰۱۴: ۴۹۲).

مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف نسلی قابل مشاهده است. شکاف‌های قومی، نسلی، جنسیتی و طبقاتی از جمله شکاف‌های فعال و مؤثر در ایران می‌باشند که با توجه به تغییرات اجتماعی گسترده بویژه گسترش استفاده از رسانه‌های نوین دچار تکان‌های شدیدی شده‌اند.

1 Social Cleavages
2 Lipset
3 Generation Cleavages
4 Oxford

به نظر مانهایم همیشه نسل‌های جدید آغازگر خودآگاهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند، بلکه برعکس پدیده گسست نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود (رایدر، ۲۰۱۴: ۱۸۴). بچه‌های والدین طلایه داران، عاملان تغییرات اجتماعی‌اند، هم به این دلیل که ارزش‌های‌شان مشابه ارزش‌های والدین آنان است و هم به این علت که ارزش‌های‌شان افراطی‌تر از والدین‌شان است؛ یعنی ارزش‌های بچه‌های طلایه داران به نقطه‌ای می‌رسد که ارزش‌های پدران‌شان به پایان می‌رسد. بر پایه فرآیند جامعه‌پذیری از سوی والدین طلایه‌دار، بچه‌ها با نگرش‌هایی وارد مرحله بلوغ می‌شوند که موجد تفاوتی ایدئولوژیک بین آنان و بقیه جامعه‌شان می‌شود (مانهایم، ۲۰۱۴: ۲۷۵).

در راستای تحقیق و بررسی پیرامون موضوع شکاف نسلی، محققان و صاحب نظران پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که هرچند منجر به ارائه الگوی کاهش شکاف نسلی نشده‌اند لیکن ارتباط و دلایل شکاف نسلی را مشخص کرده‌اند که به تعدادی از مهمترین عوامل اشاره شده است.

در حوزه مطالعات داخلی؛ نیراء (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «رابطه استفاده از تلفن همراه با گسست نسلی دختران و مادران» بیان داشت که شکاف نسلی به چگونگی تداوم فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. تلفن همراه می‌تواند منجر به فروپاشی ارزش‌های سنتی جوامع و جایگزینی ارزش‌های مدرن شود. همچنین با افزایش وابستگی به تلفن همراه، فاصله کاربران را از نظر ارزشی، فرهنگی، ذائقه با مادرانشان افزایش می‌دهد و عدم سواد رسانه‌ای و عامه‌پسندی این رسانه بر ایجاد این شکاف دامن می‌زند. حسینی بیوکی و جوکار (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تفاوت شکاف بین نسلی در ارزش‌ها میان نوجوانان و والدین دو شهر تهران و یزد» بیان داشتند که شکاف بین نسلی از یک سو اگر به درستی درک نشود باعث بروز مشکلاتی در سطح خانواده و جامعه می‌شود و از سوی دیگر اگر به طور صحیح شناخته شود و با شیوه‌هایی مناسب با آن برخورد شود، موجب ارتقا نسل‌های آینده خواهد شد. پژوهش شالچی و کلاهی حامد (۱۳۹۷) با موضوع ارتباط ساختاری شکاف میان نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان نوجوانان انجام شده است. نتایج نشان داده است میان شکاف بین نسلی با اعتیاد به اینترنت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بصیریان جهرمی و کللی خورموجی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی «میزان و تاثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر بوشهر» پرداختند. نتایج نشان داد بین میزان بهره‌مندی از اینستاگرام و دوستی نوجوانان دختر و پسر بوشهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بهره

مندی از نرم‌افزارهای کاربردی اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر تاثیر می‌گذارد و با افزایش میزان پایداری مذهبی خانواده‌های نوجوانان، از میزان بهره‌مندی نوجوانان از اینستاگرام کاسته می‌شود.

در این خصوص پژوهش‌های مختلفی نیز توسط پژوهشگران خارج از کشور صورت گرفته است. از جمله: پژوهش برایت و همکاران^۱ (۲۰۱۹) با موضوع تجزیه و تحلیل شکاف نسلی ناشی از شبکه‌های اجتماعی انجام شده است. نتایج نشان داد شکاف نسلی ناشی از استفاده از شبکه‌های اجتماعی طوری است که بین دو نسلی که از این شبکه‌های اجتماعی به‌طور فزاینده استفاده می‌کنند و نسلی که بنا به دلایل اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... استفاده نمی‌کنند تفاوت معنی‌داری وجود دارد. پژوهشی توسط ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۹) با موضوع مدل‌سازی کاربر رسانه اجتماعی بر شکاف نسلی با استفاده از مدل‌سازی روند نقطه قابل تفسیر انجام شده است. نتایج نشان داده است کاربر رسانه اجتماعی مانند توئیتر و فیس بوک باید دارای عقاید به روز نسبت به سایت و شبکه اجتماعی مربوطه باشد تا بتواند شرایط آن را بپذیرد. همچنین آنها نشان داده‌اند این شرایط باعث ایجاد شکاف نسلی در بین این افراد می‌شود. یافته‌ها و مدل‌سازی در این تحقیق نشان از رابطه منفی بین شکاف نسلی و استفاده از رسانه اجتماعی است. هرناندز^۳ (۲۰۱۹) پژوهشی با موضوع شکاف ایجاد شده توسط تکنولوژی در بین نسل‌ها؛ چگونه رسانه اجتماعی بر رای جوانان تاثیر می‌گذارد، انجام دادند که نتایج نشان داده تکنولوژی رسانه‌های اجتماعی توانسته است تاثیر بسزای بر رفتار، نگرش و روان‌شناختی جوانان داشته باشد و این تاثیر در برخی مواقع مثبت و در برخی شرایط منفی است. لاهیری و همکاران^۴ (۲۰۱۹) پژوهشی با موضوع تاثیر رسانه اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و روابط بین فردی با تحقیق پیمایشی در میان دانشجویان و مرکز درمانی انجام دادند. نتایج نشان داد رسانه اجتماعی بالاخص شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی تاثیر منفی دارند به عبارتی با افزایش تماشا کردن و درگیری با شبکه‌های اجتماعی، عملکرد تحصیلی کاهش می‌یابد. ویلی^۵ (۲۰۱۹) پژوهشی با موضوع درک محیط کاری با توجه به تفاوت نسلی و تکنولوژی مورد استفاده در آن، انجام داد. نتایج نشان داد تفاوت نسلی ناشی از تکنولوژی مورد استفاده مانند شبکه‌های

1 Brait et al

2 Zhang et al

3 Hernandez

4 Lahery et al

5 Willy

اجتماعی، فاصله نسلی بین همکاران در شرایط کاری یکسان را نشان می‌دهد. میثاقی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی با موضوع نقش عملکرد خانواده و شکاف نسلی در رابطه با روش-های کنترل والدینی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی انجام دادند. نتایج نشان داد عملکرد خانواده نسبت به کودکان دارای تاثیر منفی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی است. همچنین شکاف نسلی با افزایش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. کلارک^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی با موضوع رسانه دیجیتالی و شکاف نسلی انجام داده و بیان می‌کند رسانه دیجیتالی دارای تاثیر مثبت بر شکاف نسلی است به عبارتی هر چقدر رسانه بیشتر بر کار خود و تکنولوژی خود می‌افزاید، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و حتی در شرایط کاری افزایش می‌یابد.

در پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور موضوعات و مفاهیمی همچون تفاوت شکاف بین نسلی در ارزش‌ها میان نوجوانان و والدین، رابطه استفاده از تلفن همراه با گسست نسلی دختران و مادران، مطالعه کیفی تجربه شکاف نسلی، تفاوت بنیادی ساختار و نگرش خانواده امروز و گسست نسلی، میزان و تاثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دانش-آموز، الگوی تبیین سبک نظارتی والدین بر استفاده نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی، ارتباط ساختاری شکاف میان-نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان نوجوانان، ارتباط بین استفاده از فضای مجازی و شکاف بین نسلی، عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر شکاف نسلی جوانان، تحلیل جامعه‌شناسی شکاف نسلی در ایران و ... مورد بررسی قرار گرفته است، اما هیچ یک از تحقیقات مورد اشاره در پیشینه تحقیق به کنش‌های اجتماعی و فرهنگی و تعاملات نسل‌ها با یکدیگر و در ارتباط با استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام و پیامدهای آن نپرداخته‌اند. همچنین اهمیت موضوع ذکر شده نیز در پیشینه‌های ذکر شده مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا از آنجایی که کنش‌ها و تعاملات میان نسل‌ها اجتناب‌ناپذیر است و پرداختن به آن از اهمیت زیادی برخوردار است، محقق به طراحی الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه تهران پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، یک پژوهش کاربردی، از نظر داده‌ها کیفی و از نظر ماهیت مطالعه مبتنی بر روش داده بنیاد است که به مدد مطالعه اسناد و مدارک علمی، مصاحبه با خبرگان و

1 Misaghi

2 Celark

تلخیص داده‌ها، چارچوب اولیه الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام شکل گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل دو دسته خبرگان و مطلعین کلیدی حوزه فرهنگ و فضای مجازی و مدیران ارشد و کارشناسان خبره وزارت آموزش و پرورش بودند و نمونه‌گیری از آنها بصورت هدفمند و به روش گلوله برفی تا حد اشباع نظری انجام شد که در نهایت با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. برای تعیین اعتبار یافته‌ها از سه روش کثرت‌گرایی استفاده شد: بازآزمون روش انجام کار با ۸۹ درصد پایایی، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران با ۸۱ درصد و استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل با ۸۳ درصد پایایی حکایت از قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها داشت. نتایج اعتبارسنجی یافته‌ها به شرح جدول زیر است:

جدول ۱: نتایج بدست آمده در خصوص اعتباریابی یافته به روش کثرت‌گرایی

روش	تعداد کل گدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
مصاحبه شونده	۱۳۹	۵۸	۲۵	٪۸۳
روش انجام کار	۱۱۲	۵۰	۲۲	٪۸۹
بین کدگذاران	۱۰۴	۴۲	۲۹	٪۸۱

پس از جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، به مدد نظریه داده بنیاد^۱ در قالب کدگذاری مفاهیم و مقوله‌ها، الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام بدست آمد است. در بخش کدگذاری از روش استراوس و کوربین استفاده شده که رویکردی نظامند را پیشنهاد می‌کنند. مهمترین بخش کار در تحلیل داده‌های پژوهش، مرحله کدگذاری می‌باشد که بدین‌گونه انجام شد: کدگذاری باز^۲: مصاحبه‌ها پیاده و داده‌ها یکسان‌سازی شدند و مطابق با ادبیات نظری پژوهش اصطلاحات علمی برای آنها انتخاب شد و فهرستی از مفاهیم بدست آمد. سپس مفاهیم بدست آمده مقوله بندی شدند. کدگذاری محوری^۳: مقوله‌های بدست آمده در قالب شش عامل پارادایمی مدل اشتروس و کوربین بهم مرتبط شدند. با این کار بین کدهای تولید شده در کدگذاری باز، رابطه برقرار شد. کدگذاری انتخابی^۴: در این مرحله که مرحله اصلی نظریه‌پردازی است، مقوله محوری به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله ربط داده شد،

1 Grounded Theory

2 Open coding

3 Axial coding

4 Selective Coding

روابط در چهارچوب یک روایت و داستان، بطور روشن بیان شد و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز داشتند، اصلاح شدند. به عبارت دیگر، در مرحله کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها انجام شد به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم نمود که این امر از طریق کشف مقوله مرکزی امکان‌پذیر گردید.

یافته‌های پژوهش

با توجه به سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر، پژوهشگر به مدد نظریه داده بنیاد نظامند و با اعمال روش کدگذاری، پاسخ سوالات را به شرح زیر ارائه نموده است.

□ مفاهیم الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟
برای پاسخ به این سوال پژوهش، پژوهشگر اقدام به احصاء مفاهیم و کلمات کلیدی کاهش دهنده شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام از اسناد و مدارک موجود و نظرات خبرگان و صاحب نظران پرداخت. ابتدا محقق از متن اسناد و مدارک در دسترس و مقالات منتشر شده مفاهیم مرتبط با کاهش شکاف نسلی را شناسایی و استخراج نمود. بر اساس مفاهیم شناسایی شده، چک لیست مصاحبه با خبرگان تنظیم و خبرگان تحت مصاحبه نیمه ساختار یافته قرار گرفتند که نتیجه آن منجر به شناسایی ۷۹ مفهوم کلیدی گردید. برخی مفاهیم شناسایی شده از متن مصاحبه‌ها به شرح زیر است.

جدول ۲: مفاهیم بدست آمده از متن مصاحبه‌ها

شماره مصاحبه	مفهوم بدست آمده	متن مصاحبه
۳	بکارگیری تیم فنی برای تولید محتوای موردپسند هر دو نسل	بایستی کارگروه‌ها، تیم‌ها یا شرکت‌های دارای تخصص فرهنگی و کامپیوتری تشکیل شود و با یک الگوی منسجم اقدام به تولید محتوایی کند که از یک طرف نسل جدید آنها را بپسندد و از طرف دیگر ارزش‌ها و هنجارهای نسل گذشته را نیز در تولید این محتواها مدنظر قرار دهند تا هم نسل گذشته و هم نسل جدید از آنها استفاده کنند
۱۱	توجه و احترام به علائق اعضای خانواده در فضای مجازی	اگر فردی از اعضای خانواده اقدام به اشتراک گذاری فایل یا متنی نمود سایر اعضا اگر هم چندان مطلوب‌شان نباشد باید به سلیقه او احترام بگذارند

شماره مصاحبه	مفهوم بدست آمده	متن مصاحبه
۸	ارسال پیام‌های دوستانه و سرشار از احساسات فرزند-والدی	اعضای خانواده نسبت به تصاویری که سایر اعضا منتشر می‌کنند ابزار احساس کنند و به مناسبت‌های مختلف برای یکدیگر پیام بفرستند و همان‌گونه که در فضای حقیقی با یکدیگر حرف می‌زنند و ابزار احساسات می‌کنند در این فضای مجازی هم می‌توانند به یکدیگر ارتباط برقرار کنند
۱	نظارت خانواده‌ها بر اعضای خود در مورد استفاده درست از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	ما متأسفانه فرزندان مان را در فضای مجازی رها کرده‌ایم. باید نظارت داشته باشیم نمی‌شود بچه هرطور خواست وارد فضای مجازی شود و در معرض محتواهای مختلف قرار گیرد. باید برای کنترل آنها نظارت کنیم
۱۳	نشان دادن چهره واقعی و سبک زندگی حقیقی شخصی‌های معروف به دنبال‌کنندگان	الان بیشترین تاثیرات از طرف نخبگان هنری یا به قولی سلبریتی‌ها انجام می‌شود. وقتی یک بچه یا جوان آن را می‌بیند خب تحت تاثیرات مثبت و منفی قرار می‌گیرد. دوست دارد او هم همین شکلی زندگی کند. ما باید از هنرمندان و افراد معروف کمک بگیریم و برای نسل جوان محتواهایی تولید کنیم که از این فکر که یک شبه به همه چیز برسند بیرون بیایند

با توجه به راهنمای ارائه شده توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۸) با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط و پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. به عبارت دیگر در راستای دستیابی الگو موردنظر، نتایج اولیه بدست آمده از مصاحبه‌ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و فرایند کدگذاری باز اجرا شد. در این فرایند اقدام به یکسان‌سازی مفاهیم گردید. به گونه‌ای که واژگان بدست آمده بر مبنای واژگان علمی و موضوعی تصحیح شد، مفاهیم مشترک حذف شد، عبارات نامفهوم و دارای ابهام بازبینی شد، عبارات و مواردی که لازم بود اصلاح گردید. فرایند مصاحبه طی ۵ مرحله و هر بار با چهار نفر و در مجموع با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد. فرایند مصاحبه در نهایت منتج به شناسایی ۷۹ مفهوم کلیدی گردید که شاکله اصلی الگو را تشکیل می‌دهند.

□ مقوله‌های فرعی و اصلی الگوی کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟

پس از شناسایی مفاهیم کلیدی الگوی موردنظر تحت عنوان کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، نوبت به طبقه‌بندی مفاهیم رسید. از آنجا که واحد اصلی تحلیل

برای کدگذاری باز و محوری، مفاهیم هستند، هنگام تجزیه و تحلیل، مفاهیم از طریق عنوان-گذاری توسط محقق، به طور مستقیم از رونوشت مصاحبه شرکت‌کنندگان و سندکاوی (کدهای زنده) و یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آنها ایجاد شدند و نسخه‌های پیاده شده مصاحبه‌ها برای یافتن مفاهیم و ابعاد مدل پارادایمی به‌طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله ۴۲ کد سطح بالاتر تحت عنوان کدهای باز شناسایی شد. به عبارتی ۷۹ مفهوم اولیه در قالب ۴۲ کد باز دسته‌بندی شدند و سپس دسته بندی سطح بالاتر صورت گرفت و ۱۶ کد(مقوله) محوری بدست آمد. این دسته‌بندی‌ها حاصل فرایند کدگذاری است. نتایج مقوله بندی‌ها به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد:

جدول شماره (۳): فرایند مقوله بندی فرعی و اصلی و تعداد مفاهیم مرتبط با مقوله‌ها

تعداد مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۴	نظارت خانواده بر فضای مجازی	بازتعریف نقش خانواده‌ها
	حامی بودن خانواده	
	تعیین مأموریت برای خانواده	
۳	آموزش رسانه	سواد رسانه‌ای
	توانایی تحلیل اخبار	
۶	استفاده از شخصیتها و نهادهای غیردولتی	نقش آفرینی شخصیت‌های معروف
	ترویج ارزش‌ها	
	نگرش واقع‌گرایانه به محتوای مجازی	
۶	رفاقت و صمیمیت خانوادگی در فضای مجازی	همبستگی خانوادگی
	ارتباطات نزدیک خانوادگی	
۴	پذیرش و استفاده از فضای مجازی	مدیریت کلان فرهنگی فضای مجازی
	برنامه ریزی	
۴	تشکیل تیم‌های فنی	تشکیل کمیته‌های فنی و نظارتی
	تشکیل تیم‌های نظارتی	
۶	تعیین نهادهای جامعه پذیری	نهادهای جامعه پذیری
	آموزش‌های تخصصی	
	جامعه پذیری نسل‌ها	
۵	جابه‌جایی مصرف‌کننده با تولیدکننده	تغییرات فرهنگی
	برابری طیف‌ها	
	سبک زندگی	

تعداد مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۴	تبلیغات منفی برای درآمدزایی	بلاگرها
	هویت سازی غیرواقعی	
۴	تشکیل ستاد ساماندهی نسلی	برنامه ریزی فرهنگی- اجتماعی
	برنامه ریزی اوقات فراغت	
	برنامه‌های انگیزاننده	
۸	آموزش‌های عمومی مجازی	آموزش بین نسلی
	گسترش ارزشهای فرهنگی	
۶	تهیه محتوای مجازی هویت ساز نسلی	محتوا سازی و ارائه محتوا
	تولید محتوای مجازی با تکنولوژی‌های روز	
	تولید محتوای امروزی برای نسل قبلی	
۵	توجه به حافظه تاریخی	فرصت سازی از تهدیدها
	تربیت دینی	
	وحدت ملی	
	شادی آفرینی	
۵	همدلی	کنترل پیامدهای منفی تغییر فرهنگی بین نسلی
	آموزش کنترل شده	
	زندگی جمعی	
۳	خودباوری	هویت یابی واقعی
	تعلق پذیری	
۶	درک و احترام متقابل	جهانی شدن در عین حفظ ارزشهای سنتی
	آسان سازی ارتباط	
	نماینده‌گی قشری	

سپس در گام بعدی فرایند کدگذاری محوری انجام شد. هدف مرحله کدگذاری محوری، طبق الگوی استراوس و کوربین برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز و محوری است. از بین مقوله‌های استخراج‌شده، مقوله «همبستگی خانوادگی» به منزله مقوله محوری در نظر گرفته شده و در هسته اصلی مدل قرار گرفت. اثر این مقوله در اغلب داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها به خوبی یافت می‌شود. در واقع چکیده اصلی مصاحبه‌ها حکایت از آن دارد که همبستگی خانوادگی منجر به کاهش شکاف نسلی می‌شود. اگر خانواده‌ها با هم ارتباط نزدیکتری داشته باشند و احساس صمیمیت بین آنها افزایش یابد قطعاً شکاف نسلی تا حد ممکن کاهش می‌یابد. این ارتباط و نزدیکی و همبستگی بین اعضای خانواده صرفاً

از طریق فضای واقعی نیست بلکه می‌تواند در فضای مجازی هم اتفاق بیفتد. به‌گونه‌ای که فرزندان در فضای مجازی با والدین خود ارتباط نزدیکی داشته باشند و بین خودشان پیام‌ها و مطالب موردپسند و جذاب را رد و بدل نمایند و برعکس والدین نیز چنین کاری انجام دهند، ضمن اینکه مطالب ارسالی توسط گیرنده مورد تایید و تشویق یا به اصطلاح لایک شود و حتی در خصوص آنها اظهارنظر نماید. بنابراین مقوله محوری همبستگی خانوادگی با دو مقوله فرعی «رفاقت و صمیمیت خانوادگی در فضای مجازی» و «ارتباطات نزدیک خانوادگی» در مرکز مدل قرار گرفته است و سپس دیگر مقوله‌ها «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط مداخله‌گر»، و «پیامدها» به آن ربط داده شده‌اند و در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل شماره (۱): فرایند تکامل الگو در سه مرحله کدگذاری؛ (یافته‌های محقق).

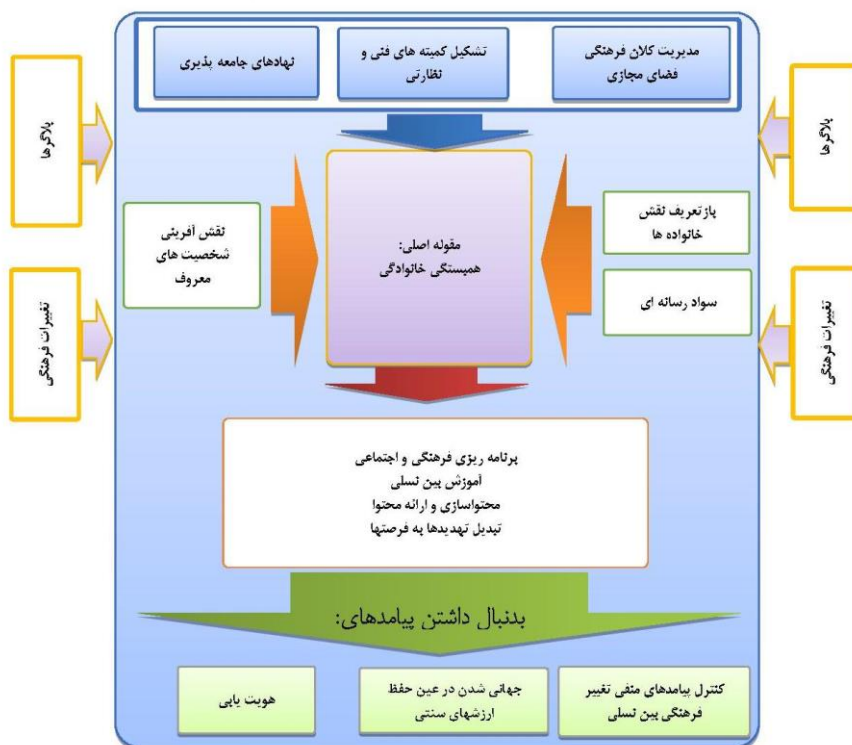
□ الگوی نظام‌مند کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام چیست؟

در نهایت در مرحله نهایی، روابط بین مقوله‌ها مشخص شد و الگوی پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها شکل گرفت. کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله ربط داده، آن روابط را در چهارچوب یک روایت و داستان، روشن کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. به عبارت دیگر، کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها است به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه تنظیم می‌کند که این امر از طریق کشف مقوله مرکزی امکان‌پذیر است. مقوله مرکزی نتایج حاصل از تجربه تحلیل را در قالب یک عبارت کوتاه متشکل از چند کلمه بیان می‌کند. در این پژوهش مقوله مرکزی تحت عنوان «همبستگی خانوادگی» نامیده شده است. زیرا بخش زیادی از نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان در مورد مولفه‌های مدنظر آن‌ها برای افزایش همگرایی با اعضای خانواده و چگونگی توسعه آن بود که با انتخاب این عنوان برای مقوله مرکزی، این مطلب روشن شد. در ادامه براساس مفاهیم و مقوله‌های استخراجی از مراحل قبل، روایتی از نحوه به‌کارگیری برنامه‌ها و راهبردها برای افزایش ارتباطات بین اعضای خانواده و به تبع آن افزایش صمیمیت و رفاقت بین آنها که همبستگی خانوادگی را بدنبال دارد تشریح شده است که نظریه خلق شده کاهش شکاف نسلی است.

شکاف بین دو نسل به طور خاص والدین و فرزندان‌شان به دلیل تغییرات مختلف و سریع در امور فناوری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و ... شکل می‌گیرد. حادث شدن تغییر برای نسل والدین که ریسک‌پذیری کمتری برای پذیرش تغییر دارند یا زمان و حوصله کافی برای همراه شدن با تغییرات را ندارند، در مقابل فرزندان‌شان که دوست دارند چیزهای جدید یاد بگیرند و در مواجهه به تغییرات روی خوش نشان می‌دهد و از طرفی دوست دارند در زندگی‌شان تحولی ایجاد شود قطعاً یکسان نیست و این عامل اساسی منجر به ایجاد فاصله عاطفی، روانی و اجتماعی بین والدین و فرزندان‌شان می‌گردد. برای جلوگیری از این فاصله و شکاف در حال شکل‌گیری ضروری است اقدامات لازم و کافی برای ایجاد ارتباطات مناسب بین اعضای خانواده که منجر به همبستگی بیشتر خانواده می‌شود صورت گیرد و زمینه مناسب برای آن فراهم شود. همچنین عواملی که مغل نزدیک شدن اعضای خانواده با یکدیگر

می‌شود باید حذف گردد یا آنها را به عاملی تسهیل کننده تبدیل کرد. بر این اساس الگوی کاهش شکاف نسلی از طریق شبکه مجازی اینستاگرام شکل گرفته است که ابتدا به کمک یکسری عواملی زمینه لازم برای کاهش شکاف فراهم می‌گردد، عوامل علی کاهنده شکاف محقق می‌شوند، سپس عوامل ایجاد کننده مانع یا تسهیل گر شناسایی و رفع می‌گردند و نهایتاً استراتژی‌های مناسب برای کاهش شکاف نسلی عملیاتی می‌شوند.

بنابراین کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام از طریق توجه به مقوله‌های مختلف شرایط زمینه، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، راهبردها و پیامدها قابل تحقق است. براساس مفاهیم و مقوله‌های استخراجی از مراحل قبل، روایتی از نحوه بکارگیری سایر عوامل موثر بر کاهش شکاف نسلی تشریح شده است که به صورت شماتیک به عنوان الگوی نهایی پژوهش ترسیم شده است.



شکل شماره (۲): الگوی نظام‌مند کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام؛ (یافته‌های محقق).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بدنبال ارائه الگویی برای کاهش شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام بودیم و در راستای دستیابی به این الگو، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی برای الگو استخراج شد که برخی از آنها زمینه ساز، علل بوجود آورنده، مداخله گر، راهبرد و پیامد بودند. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که برای شکاف نسلی با بهره‌گیری از شبکه اجتماعی اینستاگرام ابتدا بایستی دستورکارها بر اساس یک معیاری از یک کانال مشخصی تنظیم شوند. نتایج نشان داد کاهش شکاف نسلی در وهله اول به دلیل فاصله گرفتن نسل قبل یعنی والدین با نسل جدید فرزندان می‌باشد. هرچقدر اعضای یک خانواده با هم ارتباطات قوی‌تری داشته باشند قطعاً به درک مشترکی از هم می‌رسند و اختلافات فکری‌شان اگرچه از بین هم نرود کاهش یافته و سایر اعضا با اختلافات فکری و سلاقی یکدیگر آشنا می‌شوند و سعی در احترام به اختلاف سلاقی و علاقه‌مندی‌های یکدیگر بر می‌آیند. همان‌گونه که روانشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند بایستی سن ازدواج و فرزندآوری به گونه‌ای باشد که پدر و مادر بتوانند به فرزندان‌شان ارتباط برقرار کنند و همدیگر را درک کنند، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که هرچقدر هم سن‌شان به هم نزدیک باشد آخر از دو نسل متفاوت هستند. بنابراین چیزی که آنها را به هم نزدیک می‌کند احترام گذاشتن به ارزش‌های سنی و نسلی همدیگر است. اگر قرار بر کاهش شکاف است، در زمانی فضای مجازی و تکنولوژی تمام ابعاد زندگی بشر را در سیطره خود درآورده است باید در همین فضا هم روابط صمیمانه و نزدیک با یکدیگر برقرار کنیم و همدیگر را درک کنیم. با جوانان و نوجوانانی سروکار داریم که تحت تاثیر فضای مجازی و گروه همسالان خود هستند. این جوان دوست دارد مثل آنها بپوشد، بخورد، بگردد و زندگی کند. به‌طور کلی سبک زندگی آنها تحت تاثیر فضای جهانی است. پدر و مادر و معلمان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور می‌توانند برای نزدیک کردن اذهان دانش‌آموزان و فرزندان آینده این کشور، از طریق فضای اجتماعی ایجاد شده به نام اینستاگرام برنامه‌ها و محتوایی را نشر دهند و برای زندگی با هم آموزش بدهند تا به درک متقابلی از یکدیگر برسند. ما نمی‌توانیم دانش‌آموزان را از فضای اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی منع کنیم ولی می‌توانیم در همین فضا با هم ارتباط داشته باشیم همان چیزی که در فضای واقعی بهم می‌گویییم را به فضای مجازی بکشانیم، ابزار احساسات کنیم، صمیمیت نشان دهیم، سبک زندگی واقعی و معمولی را جایگزین سبک زندگی لاکچری و غیرواقعی کنیم، به فرزندان مان یاد بدهیم

این همه‌ی آن چیزی نیست که در زندگی برخی افراد سرشناس است این فقط پوسته زندگی آنهاست، زندگی پر زرق و برق داشتن الزاماً خوب نیست، و ... باید برای نظارت بر فضای مجازی برنامه‌ریزی کنیم، خانواده‌ها را درگیر نظارت و تولید محتوا کنیم، گروه‌های فنی برای این کار استخدام شود و محتواسازی کنند، تهدیدات رو به فرصت‌ها تبدیل کنیم، به همه گروه‌ها آموزش بدهیم، فکر نکنیم هرکاری می‌کنیم درست است، تغییرات فرهنگی امروزه خیلی سریع است باید همگام با آن با آموزش صحیح حرکت کنیم و نه خودمان و نه فرزندانمان را منع کنیم و نه غرق در آن شویم. این موارد و صدها زیربرنامه دیگر باید تدوین شود و برای رسیدن به آنها کار کرد. در این پژوهش برنامه‌های متنوعی شناسایی شده است که در صورت پرداختن به آنها می‌توان در شرایط کنونی که با یک بیماری همه‌گیر روبرو هستیم، با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی علی‌الخصوص اینستاگرام به کاهش بین نسلی دست یافت.

اما از حیث مقایسه نتایج بدست با نتایج سایر تحقیق‌های انجام شده، علیرغم اینکه تاکنون تحقیقی با این عنوان انجام نشده است لیکن تحقیقاتی با موضوع کاهش شکاف نسلی و یا استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی و اینستاگرام به صورت مجزا انجام گرفته که به نقد و بررسی نتایج بدست آمده با نتایج آنها پرداخته شده است. در مصاحبه‌های صورت گرفته نیز، برخی خبرگان معتقد بودند شبکه اجتماعی اینستاگرام منجر به کاهش نمی‌شود و بیشتر شکاف نسلی را افزایش می‌دهند لیکن در جمع بندی و اشباع نظری نتایجی بدست آمد که نشان داد از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌توان شکاف نسلی بین دانش‌آموزان دوره متوسطه و والدین را کاهش داد. از حیث همخوانی و عدم همخوانی نتایج می‌توان گفت: نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات نیراء (۱۳۹۸)، حسینی بیوکی و جوکار (۱۳۹۸)، بصیریان جهرمی و کللی خورموجی (۱۳۹۷)، برایت (۲۰۱۹)، کلارک (۲۰۱۶) همخوانی ندارد. نیراء (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که با افزایش استفاده از فضای مجازی و تلفن همراه هوشمند به واسطه قابلیت‌ها و جذابیت‌ها و امکانات فاصله کاربران را از نظر ارزشی، فرهنگی، ذائقه (مصرفی)، تغذیه، پوششی، فراغتی) با مادرانشان افزایش می‌دهد و عدم سواد رسانه‌ای و عامه پسندی این رسانه بر ایجاد این شکاف دامن می‌زند. حسینی بیوکی و جوکار (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که سنتی و مدرنیته بودن جامعه در میزان شکاف بین نسلی تأثیری ندارد. برایت و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند شکاف نسلی ناشی از استفاده یا عدم استفاده از شبکه‌های اجتماعی فاحش می‌باشد بطوری که بین دو نسلی که از این شبکه‌های اجتماعی به طور فزاینده استفاده می‌کنند و نسلی که بنا به

دلایل اجتماعی، مذهبی، سیاسی و ... استفاده نمی‌کنند تفاوت معنی‌داری وجود دارد. کلارک (۲۰۱۶) بیان کردند رسانه دیجیتالی دارای تاثیر مثبت بر شکاف نسلی است. به عبارتی هر چقدر رسانه بیشتر بر کار خود و تکنولوژی خود می‌افزاید، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان افزایش می‌یابد. از طرف دیگر نتایج بدست آمده با نتایج تحقیقات افضلی و همکاران (۱۳۹۸)، درودی (۱۳۹۷)، میثاقی (۱۳۹۷)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. افضلی و همکاران (۱۳۹۸) معتقد بودند شکاف‌های نسلی جمعیت در تهران در یک دهه اخیر، هویت سیاسی - اجتماعی جامعه را، در شکل، ماهیت، آثار و پیامدها تحت تاثیر قرار داده است. این اثرگذاری بهتر از هر قشری خود را در هویت دانش‌آموزان نشان داده است. دانش‌آموزان بیشتر تحت تاثیر نمادهای هویتی جدید هستند. به این ترتیب که با افزایش شکاف نسلی و دور شدن از دهه‌های اول انقلاب اسلامی ایران و با حضور نسل نو در جامعه شهری کلان شهر تهران، هویت سیاسی و اجتماعی نیز دچار تغییر و تحولاتی شده است. نتایج نشان دهنده ارتباط مستقیم بین شکاف نسلی جمعیت و هویت اجتماعی - سیاسی در کلان شهر تهران است.

بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که: قرار گرفتن نسل جدید در برابر کانال‌های متنوع جامعه‌پذیری از عوامل اصلی تنش بین والدین و فرزندان است. این کانال‌ها به‌طور ناگهانی وارد جامعه ما شدند و همین ورود ناگهانی، فرصت هماهنگ شدن با این کانال‌ها را از لحاظ تاریخی و فرهنگی از ما گرفت. جامعه ما یک جامعه در حال گذار است و از یک سو مقاومت سنت‌ها ادامه دارد و از سوی دیگر ما هنوز به یک جامعه مدرن تبدیل نشده‌ایم که این باعث افزایش این شکاف بین نسلی خواهد شد. این اختلاف نظر و این شکاف بین نسلی منجر به این می‌شود که والدین فکر کنند فرزندان ما گستاخ یا سرکش شده‌اند، آن ادب و احترام گذشته را قائل نیستند؛ از طرف دیگر فرزندان می‌گویند والدین ما بسیار سنتی یا کهنه هستند و نگاه آن‌ها نگاه متناسبی نیست، ما را درک نمی‌کنند و انتظار دارند ما همانند ۵۰ سال پیش زندگی کنیم. ما نباید انتظار داشته باشیم که بتوانیم شکاف بین نسلی را از بین ببریم؛ این یک فرآیند طبیعی است که از بین نمی‌رود اما ما باید تلاش کنیم این مسئله به یک آسیب تبدیل نشود که این بدان معنی است که راه‌کارهایی ارائه بدهیم که تنش‌ها را کاهش بدهیم. با توجه به شرایط جامعه‌پذیری موجود، اولین راه‌کار این است که والدین بپذیرند که زمان حاضر مانند گذشته نیست که افراد با اطاعت از حرف پدر جامعه‌پذیر می‌شدند؛ اکنون فرزندان نمی‌توانند تنها از طریق خانواده جامعه‌پذیر شوند و والدین باید دانش سنتی خود را کنار

بگذارند و با مسائل جدید بیشتر آشنا شوند. دوم اینکه شناخت دقیق ویژگی‌های دوره جوانی و نوجوانی بسیار مهم است که متاسفانه خانواده‌های ما توجه زیادی به آن ندارند. والدین در این مرحله به جای اینکه تلاش کنند بر نوجوان کنترل داشته باشند، درک کنند که نوجوان در نحوه لباس پوشیدن، اعتقادات و... می‌خواهد به آزادی بیشتری برسد. والدین باید شناخت خود را از دوران نوجوانی و ویژگی‌های آن بالا ببرند. ویژگی‌های رشدی در همه دوره‌ها بوده است اما باید این را در نظر بگیریم که در جامعه‌پذیری نسل گذشته با توجه به اینکه جامعه را سنت‌ها اداره می‌کرده، آن قدر نقش سنت‌ها قوی بوده است که فرد مقاومت نمی‌کرد و قوانین مکتوبی نبوده که بخواهد هر روز تغییر کند. درک در حال گذار بودن جامعه را راه کار سوم است، پدر باید بداند همانند گذشته سنت‌ها همه‌چیز را تعیین نمی‌کنند، قوانین جدید وضع شده و سازمان‌های جدیدی به وجود آمده‌اند و گروه‌های مرجع فرزندان ما با ما متفاوتند. اگر الگو و گروه مرجع من در کسانی بود که در کتاب‌ها از آن‌ها می‌خواندم و لذت می‌بردم، اکنون گروه مرجع پسر من ستاره‌های سینما، مد، ورزش و... هستند. اگر من پدر بپذیرم که جامعه در حال گذار است، دیگر نباید انتظار داشته باشم فرزندم مانند گذشته بیندیشد یا رفتار کند و یک مقدار مسئله را هضم می‌کنم. وظیفه دولت در مورد شکاف بین نسلی این است که در عین حال که از بیرون سبک زندگی جدیدی در حال شکل‌گرفتن است، نظام آموزشی ما به بازتولید فرهنگ بومی و ملی از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی بپردازد. مثلاً مجدداً ارزش‌های بومی و سنت‌ها را از طریق کتب درسی و غیردرسی بازتولید کند که نسل جدید به‌طور کلی گذشته خود را فراموش نکند. نقش فرزند در کاهش این شکاف کم‌رنگتر است و این یک فرآیند پیش‌رونده است و دست ما نیست که به نسل جدید بگوییم تو دنبال امور جدید نرو یا در سبک زندگی و پوشش به همان گونه‌ای باش که من در گذشته بوده‌ام. بنابراین نمی‌توانیم خیلی به نسل جدید سخت بگیریم. ما باید نسل جدید را آموزش بدهیم البته نه از نوع تحکم و دستور که نتیجه معکوس می‌دهد، بلکه ما می‌توانیم با ایجاد تعاملی ملایم‌تر که با گفت‌وگو با فرزندان برقرار می‌کنیم به نسل جدید بگوییم از تجربیات والدین خود استفاده نکنند. به هر حال همه این تجربیات کهنه نیست و اگر والدین دستوری هم می‌دهند از سر دلسوزی است. بیش‌تر از اینکه بگوییم نسل جدید چه باید بکند باید بگوییم خانواده چه کند. خانواده است که باید درک کند، تعامل کند و تعامل را مدنظر قرار دهد تا بتواند حس همدلانه ایجاد کند.

منابع

- ایسنا؛ خبرگزاری دانشجویان ایران (۱۴۰۱). شکاف نسلی؛ از روایت نسل گذشته تا گفتمان نسل جدید. اصفهان، ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۱.
- افضل، رسول؛ زارعی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس و محسنی، سیدضیا (۱۳۹۸). تبیین اثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی- سیاسی دانش‌آموزان شهر تهران، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۹۸: ۳۰۳-۳۳۵.
- بادله، علیرضا. قلی‌نژاد، نوراله. بیگدلی، مظفر (۱۳۹۷). رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با دانش، نگرش، رفتار و امنیت اجتماعی دانش‌آموزان. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۱(۳): ۱۳۵-۱۵۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بصیریان چهارمی، حسین و کللی خورموجی، راضیه (۱۳۹۷). میزان و تاثیر استفاده از اپلیکیشن اینستاگرام بر دوستی نوجوانان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر بوشهر، دومین همایش بین المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با موضوع خانواده، تهران، مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال.
- جاراللهی، عذرا و صدیقی کسمایی مینو (۱۳۹۲). تفاوت نسلی میان مادران و دختران: بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت نگرش آنها به ارزش‌های مربوط به خانواده، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴(۴)، ۶۹-۱۰۶.
- حسینی بیوکی، نفیسه و جوکار، علی محمد (۱۳۹۸)، تفاوت شکاف بین نسلی در ارزش‌ها میان نوجوانان و والدین دو شهر تهران و یزد، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- شالچی، بهزاد و کلاهی حامد (۱۳۹۷). ارتباط ساختاری شکاف میان- نسلی با اعتیاد به اینترنت در میان نوجوانان، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۵(۳): ۹۷-۱۱۲.
- شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده. نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- ربانی خوراسگانی، علی و محمدزاده یزد، عاطفه. (۱۳۹۱). بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۲): ۶۵-۸۸.
- ناطقی، هاشم؛ قربانزاده سوار، قربانعلی و بدری، وحید (۱۳۹۸). پیامدهای شکاف دیجیتال بر شکاف فرهنگی از منظر پدافند غیرعامل، مجله مقابله با عملیات روانی، ۳(۷): ۲۳-۴۴.

- نیراء، انسیه (۱۳۹۸). رابطه‌ی استفاده از تلفن همراه باگسست نسلی دختران و مادران، چهارمین کنفرانس ملی علوم انسانی، جزیره کیش، شرکت توسعه دانش فرزندانگان ایرانین.
- Afzali, R; Zareie, B; Ahmadi, A; Mohseni, S.Z. (2019). Explaining the Effects of Generation Gap on Social-Political Identity of Students in Tehran. *Majlis & Rahbord*, 26(98), 303-335.(In Persian).
- Badeleh, A.R; Gholinejad, N; & bigdeli, M. (2018). The relationship between the use of cybernetics and social knowledge, attitude, behavior and social security of students. *Quality of order and security guards*, 11(3), 135-158. (In Persian).
- Bashiriyeh, Hossein (2016). *Political sociology, the role of social forces in political life*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Basirian Jahormi, H. & Kolli Khormoji, R. (2017). The extent and effect of using Instagram application on the friendship of high school girls and boys in Bushehr city. the second international conference on media and information literacy with the theme of family, Tehran, Information Technology and Digital Media Center. (In Persian)
- Bright, Candace Forbes, Cozart, Thometta, Bagley, Braden, Scott, Hannah, Dennis (2019). *Social Network Gap Analysis Evaluation*, *Family and Community Health*, 42(1), 43-53.
- Chou, H. G., & Edge, N (2012). They are happier and having better lives than I am: The impact of using Facebook on perceptions of others' lives. *Cyber psychology, Behavior, and Social Networking*, 15(2), 117-120.
- Clarck, Lynn Schofield (2016). The digital media and the generation gap, *Information, Communication & Society*, 12(3), 388-407.
- Hernandez, Yamiemily (2019). The Technology Gap across Generations: How Social Media Affects the Youth Vote, *Political Analysis*, 20, 1-13.
- Hosseini Beyuki, N & Jokar, A.M. (2018). The difference between generation gap in values between teenagers and parents in two cities of Tehran and Yazd, 3rd International Conference on Research in Psychology, Counseling and Educational Sciences, Permanent Secretariat of the Conference.(In Persian)
- ISNA; Iran Students News Agency (2022). generation gap; From the narrative of the past generation to the discourse of the new generation. Isfahan, May 24, 2022. (In Persian).
- jarallahi, O., & sedighikasmaei, M. (2013). Generation Gap Between Mothers and Daughters: Examining the Factors Affecting the Difference of Their Attitudes Towards Family Values. *Social Development & Welfare Planning*, 4(14), 69-106. (In Persian)
- Kusyanti, A, Wh, O.S (2016). How do I look: Self-disclosure of Instagram users in Indonesia? *Journal of Education and Social Sciences*, 5 (2), 242-247.
- Lahiry, Sandeep, Choudhury, Shouvik, Chatterjee, Suparna, Hazra, Avijit (2019). Impact of social media on academic performance and interpersonal relation: A cross sectional study among students at a tertiary medical center in East India, *Journal of Education and Health Promotion* | Published by Wolters Kluwer, 2, 1-6.

- Misaghi, Ebrahim, Sadipour, Esmaeil, Delavar, Ali, Dortaj, Fariborz, Shalamzari, Abdolah Motamedi (2018). The role of family functioning and generation gap in the relationship between parental controls style and addiction to social networks, Iranian journal of educational Sociology, 1(8), 1-15.
- Nateghi, H. Ghorbaanzadehsavar, G. Badri, V. (2019). The Consequences of the digital gap on the cultural gap from the passive defense perspective. Journal of Dealing with psychological operations, 3(7), 23-44. (In Persian)
- Nira, A. (2018). The relationship between the use of mobile phones and the generation gap of girls and mothers. The 4th National Humanities Conference, Kish Island, Iranian Knowledge Development Company. (In Persian)
- Oxford Dictionary of English (2014). A New English Dictionary on Historical Principles (NED). Edmund S. C. Weiner & John A. Simpson. Oxford University.
- Rabbani Khorasgani, A. & Mohammadzadeh Yazd, A. (2012). A Qualitative Study of Generational Value Gap between Mothers and Daughters in Mashhad, With an Emphasis on Religious Values. Journal of Applied Sociology, 23(2), 65-88. (In Persian)
- Shalchi, B. Kolahi, H. (2018). The Structural Relationship between Generation Gap and Internet Addiction among Adolescents. QJFR, 15(3), 97-112. (In Persian)
- Shekr Beigi, A. (2011). Media, women and family relations. Meeting of the Iranian Sociological Association. (In Persian)
- Wily, Sandra (2019). Understanding today's workforce: generation difference and the technology the use, QuickBooks, 2, 1-7.
- Zhang, Jingfei, Zhuy, Xuening, Hansheng, Wangz, Guan, Yongtao (2019). Modeling social media user content generation using interpretable point process models, Journal of Annals of Applied Statistics, 18, 1-25.